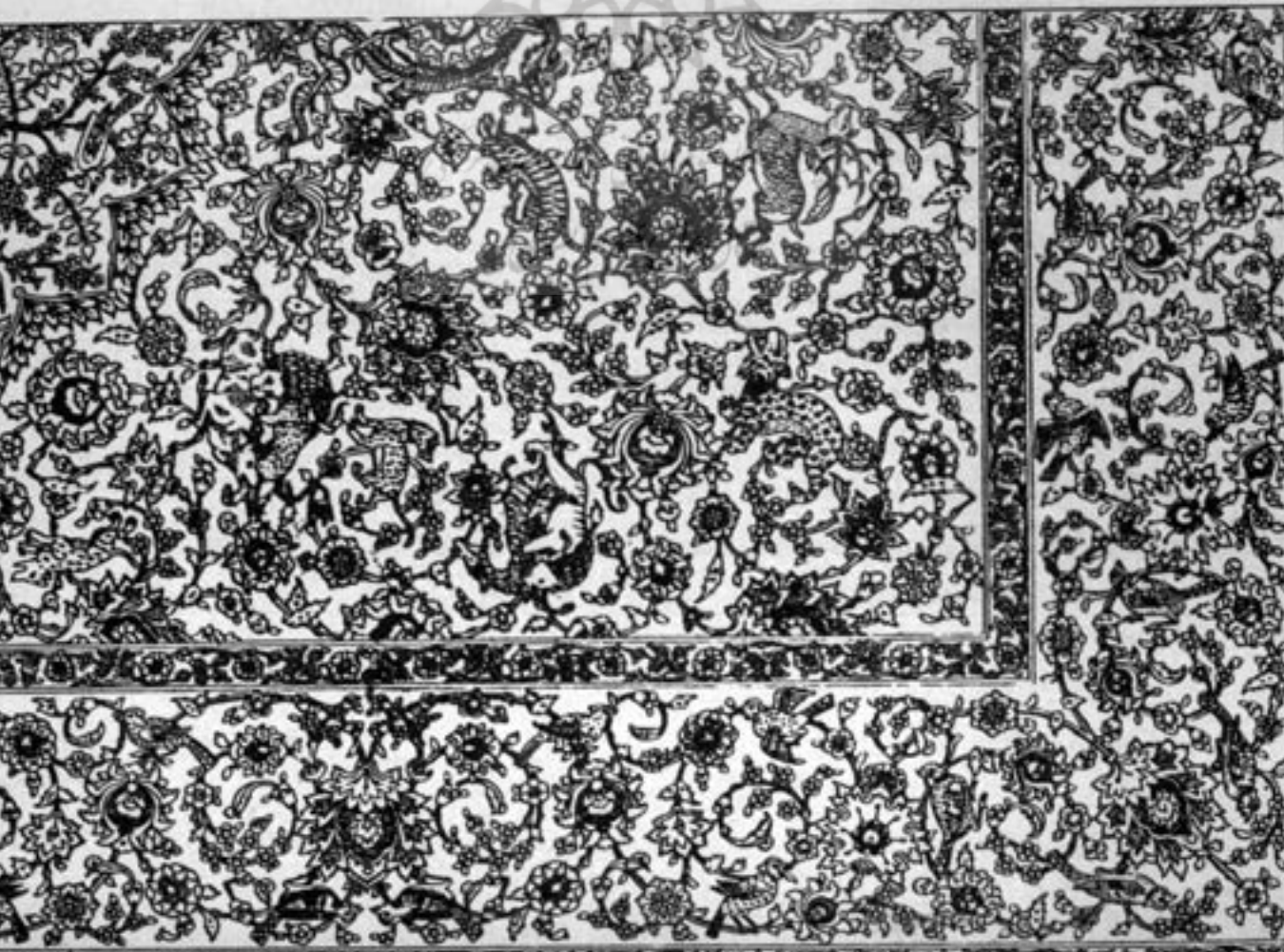


## قالی بافی در ایران

[۴]

مهمترین کار بافندگی که بدان ارزش هنری می‌بخشد، طرح نقش‌های بافته و ترکیب آنهاست. برگزیدن رنگ نیز در عرض طراحی قرار دارد و کسی که رنگها را انتخاب می‌کند اغلب همان طراح است. در دوران‌هایی که بافندگی خاصه قالی بافی ایران در نهایت ترقی بوده است، می‌بینیم که بهترین نقاشان و طراحان زمان نقش قالی می‌کشیدند و گاه با همکاری یکدیگر این نقش‌ها را ترکیب می‌کردند و شاهکارهایی چون طرح‌های عهد صفوی به وجود می‌آوردند.

اما اگر از کارگاه‌های قالی بافی چشم‌پوشیم و به روستاها و ایل‌ها روی آوریم، یا به بیان دیگر طرح‌های محلی را مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم هم از نظر طرح و هم رنگ در حد خود شاهکارهایی بی‌مانند هستند. اما مسلم آنست که این طرح‌ها را نقاشانی خاص نکشیده‌اند و رنگهای آنها را یک یا چند نفر برنگزیده‌اند. با کمی دقت در ده‌هایی که قالی بافی در آنها رواج دارد درمی‌یابیم که همه اهالی یک ده نقشی خاص را می‌سافند و جز آن نقش، بافتن طرحی دیگر از عهدشان خارج است. غالب این طرح‌ها ابتدایی و ساده است. بعضی از همین طرح‌های محلی ساده به مرور زمان و به سبب گسترش طایفه نقش شاه عباسی- بکار بردن نقش جانوران در نقوشی که از گیاهان گرفته شده است





و افزودنی گرفتن جمعیت آن رواج بیشتر یافته و در طول زمان راه تکامل پیموده و به طرح هایی زیبا با رنگ هایی حساب شده و خوش منظره بدل گشته است . بهمین سبب نقش های قالی های محلی و رنگ آنها محدود است و از سه یا چهار رنگ و نقش که اغلب بسیار بهم نزدیکند ، در نمی گذرد . برای مثال نقش قالی های تره کمنی و بلوچی و بختیاری و . . . را می توان نام برد .

اما آنچه ما طراحی قالی می نامیم . نقش هایی است که بذوق و کوشش نقاشان اهل فن به وجود می آید و دارای طرح و رنگهایی است که بسیار با طرح های محلی متفاوت است . این رشته یعنی طراحی قالی در دوران صفوی خاصه عهد شاه عباس بزرگ در نهایت ترقی خود بوده است . طرح های زیبایی شاه عباسی که بعدها بتفصیل از آنها سخن خواهیم گفت ، همه حاصل کوشش بزرگ نقاشان ارجمند این زمان است .

### روش کار نقاشان

نقشه های ترکیبی که در عصر صفویان رواج کامل داشته است ، بی شک هر کدام آنها کار یک نقاش نیست . روش کار این بوده است که نقاشان متعدد هر یک به ذوق و سلیقه خود نقش های منفردی که غالباً روش مینیاتور در آنها بیکار می رفته است طرح می کرده اند و یا چند ترکیب محدود با رنگهایی مختلف به ذوق خود می ساخته اند . سپس جمعی از نقاشان صاحب نظر گروه می آمدند و پس از برگزیدن نقش های منفرد زیبا و در خور کار قالی ، دست به ترکیب آنها می زدند . اغلب برای ترکیب پذیر ساختن آنها مجبور می شدند تغییرهایی در آنها بدهند و گاه آنها را دیگرگون می ساختند . بعد نقش ها را در کنار هم می نهادند و یک چهارم طرح قالی را به وجود می آوردند و آنگاه این طرح را در سه چهارم دیگر مکرر می ساختند . اما باید گفت که این روش در تمام نقش های شاه عباسی پیروی نشده است ( رجوع شود به نقش شاه عباسی شماره گذشته )

پس از اینکه طرح حاضر می گردید ، قالی باف جزئی از نقش را که به نظم تکرار می گردید و با در همان اندازه ، نقوش دیگری مکرر می شد برای نمونه روی دستگاه کوچکی می بافت تا میزان کار دستگیرش شود و بعد از روی نقشه به کمک پرکار بافتن قالی را شروع می کرد .

وسیله کار نقاشان درین زمان زغال مو و متقال بوده است . اکنون طراحان قالی از کاغذ شطرنجی و مداد استفاده می کنند . نقاش پس از چهارخانه ساختن متقال و گاه بدون چهارخانه کردن آن ، بیاری پرکار ، طرح مورد نظرش را می کشید و سپس بارنگهای گوناگونی که قبلاً انتخاب شده بود ، به وضع طرح خود ثبات می بخشید . اگر طرح منفردی را در نظر داشت ، آنرا قلمگیری می کرد تا وضع آن حفظ شود و بعدها در نقشی بکار رود .

در بیشتر طرح های قالی خاصه نقش های شاه عباسی از طبیعت استفاده شده است . گاه این استفاده بطور مستقیم و بدون دخل و تصرف زیاد بوده است مانند نقش ها دشکار گاه ،



و طرح هایی که بیان قصه‌های را می کرده است چون حکایت بهرام کور . در بعض دیگر ، که می توان تمام طرح های شاه عباسی را جزو آنها بشمار آورد ، نقش گل و گیاه برای اینکه قابل ترکیب شود و یا شکلی تزیینی به خود بگیرد با روشی خاص که بسیار بکار مینیاتور نزدیک است دگرگون گردیده است . در آمیختن جانوران با نقش هایی که از گیاهان گرفته شده است در طرح های شاه عباسی بسیار دیده می شود ، اسلیمی بندی با استفاده از گل های شاه عباسی نیز ازین گروه است .

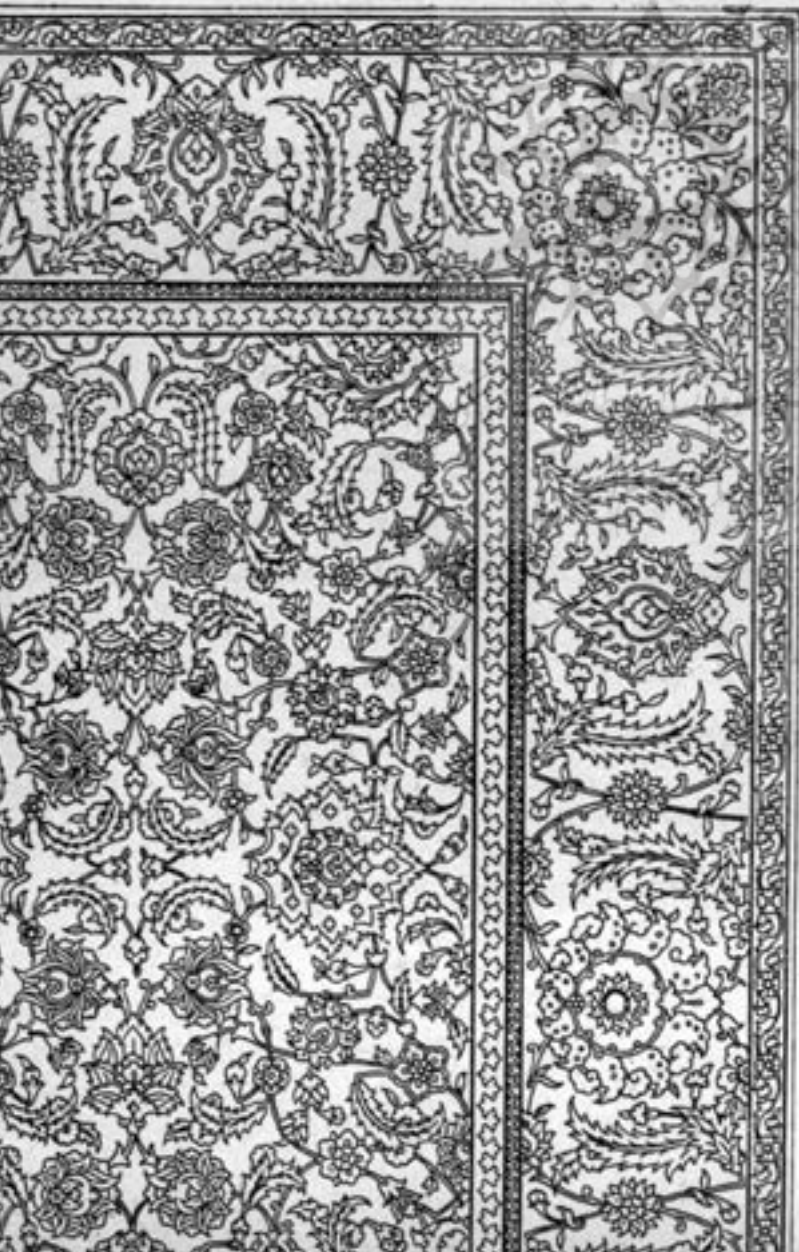
در پاره ای دیگر از طرح های قالی از افسانه های باستانی استفاده شده است . جانوران افسانه های پارسی مایه خوبی برای نقاشان قالی بوده است و آنها می توانستند خیال های خود را در قالب ازدها و سیمرغ و دیو و پری و فرشته جلوه گر سازند . گاه گاه خاصه در قالی های ابریشمین که به دیوار آویخته می شده است از قصه های عشقی چون لیلی و مجنون و وامق و غنچه و شیرین و فرهاد و . . . استفاده شده است . این نقش ها کاملاً باروش نقاشی مینیاتور تزیین می شده است و دیگر نقاش بهیچ روی مجبور نبوده است که در کار قالی از روش در نقاشی عدول کند . تنها حدی که برایش وجود داشته است استفاده از رنگ های محدود بوده است ، چون بدان اندازه که

نقش شاه عباسی ( طرح از طاهر زاده بهزاد )

در نقاشی در بکار بردن رنگ دستش آزاد بوده در کار قالی آن امکان را نمی یافته است .

نکته ای که باید در اینجا یاد آور شوم ، طرح حاشیه قالی است . گروهی از نقاشان قالی تخصص در کار نقش حاشیه دارند و این کار تا اندازه ای با نقش کلی قالی متفاوت است . بیشتر این نقاشان کسانی هستند که در تذهیب کار کرده اند .

ازین پس بعد از شرح نقش قالی های پیش از اسلام و بیان اطلاعات مختصری که در دست است از طرح کلی قالی و نام طرح های مختلف سخن خواهیم گفت و سپس نقش های منفرد را تا آنجا که ممکن باشد شرح خواهیم داد و همراه بیان طرح های منفرد و نمایاندن تصویر آنها وضع ترکیب طرح ها و نمونه هایی از آنها را باز خواهیم نمود .







نقش گوزن و ردیف سواران فرش غاشیه دوره هخامنشی

### نقش فرش های قبل از اسلام

فرش های غاشیه دوره هخامنشی که در «پازیریک» بدست آمده است همانطور که در گذشته درباره آنها صحبت داشتیم یکی از باارزش ترین مدارک هنری ایران باستان است. طرح این فرش پس از حاشیه ای از تصویر جانوران بالدار افسانه ای که مکرر شده است، ردیفی از سواران می باشد. آرایش اسب و طرح فرش غاشیه آن که نشان می دهد چنان اسب را زین می کرده اند و سینه بند و لگام و کرمزدن دم اسب، برای پی بردن به روش سواران و شیوه زین کردن اسبان در عصر هخامنشی مدد کمی با ارزش است کلاه مرد سوار و نداشتن رکاب و تنگ خود موضوع قابل توجهی است.

پس از ردیف اسبها حاشیه دیگری است و سپس صف گوزن ها دیده می شود که مانند ردیف اسبان میان دو خط موازی که مربعی به موازات حاشیه قالی به وجود می آورد، قرار دارد. در طرح این گوزن ها کمی از طبیعت دور شده اند. هر یک از این گوزن ها دارای نقش منظمی در پشت است که به حاشیه دستبافی مانند می باشد. خود گوزن ها ابلق اند و دارای دو طرح یکی روی کتف که دنباله آن تانهی گاه می رسد و دیگری نقشی دایره وار که در روی ران به چشم می خورد، می باشند. شاخ و پیوزه بهن آنها تا اندازه زیادی نوع جانور را مشخص می سازد. طرح وسط قالی همانطور که در گذشته بیان داشتیم یکی حجاری های دیواره کاخ پینوا را که باستان شناسان آنرا طرح قالی خوانده بودند بیاد می آورد.

در قطعه فرش دیگری که از «پازیریک» بدست آمده است همانطور که بیان داشته بودیم طرح دو ملکه را نشان می دهد که در دو طرف آتشدانی ایستاده اند و پشت سر هر یک خادماهی دیده می شود. این طرح در بسیاری از سکه های این دوران وجود دارد. از طرح های دیگر قبل از اسلام بطور مستقیم چیزی برای ما باقی نمانده است. تنها از نقوش عهد ساسانی همانطور که در گذشته یاد آور شدیم در آثار قبطیان (بازماندگان مصریان قدیم) طرح هایی دیده می شود که بتأثیر هنر ساسانیان به وجود آمده است. سر جانوران خیالی و یا طبیعی که در حلقه ای قرار دارد و خاص نقوش ساسانی است در این آثار دیده می شود. سوارانی که در دو طرف درخت زندگی پشت بهم یا رو در رو ایستاده اند و یا در دو طرف آتشدانی قرار گرفته اند همه از نقوش ساسانی می باشند که در آثار قیسان برای ما باقی مانده است.

چون ابریشم به وسیله کشیش های مسیحی از ایران به مصر رفته طرز بافتن و نقوش ایرانی نیز بدین سرزمین راه یافته است. بافته های ابریشمینی با طرح های ساسانی که در مقبره های مصر علیا بدست آمده است، کهنترین دستباف های قبطی است که بدست ما رسیده. در بعضی از این بافته ها شیوه ساسانیان بطور دست نخورده و سالم و بدون دخل و تصرف بافتندگان قبطی برای ما باقی مانده است.